

ضرورت رسیدگی به پرداخت سودهای موهوم در نظام بانکی

در مورد جلسه اخیر اقتصاددان ها با رئیس جمهور اولین و مهم ترین نکته این است که هدف از برگزاری این جلسات چیست، آیا قرار است در این جلسات تضارب افکار و اندیشه بین اقتصاددان های مدعو و تیم اقتصادی دولت شکل بگیرد؟ اگر چنین هدفی بر این جلسات مترتب است قطعاً باید مجال و فضای گفت وگو تغییر کند و مباحثات به صورت مستمر و در فضایی تخصصی و با زمان کافی انجام شود تا از درون این مباحثات، آسیب شناسی سیاست های اقتصادی موجود انجام شده و راهکارهایی برای تغییر شرایط به دست آید. بنابراین اینکه جمعی از اقتصاددان ها دعوت شوند، ولی برخی مباحث کلی مطرح شود و زمان کافی برای طرح نقطه نظر آن ها و پاسخ گویی تخصصی به تفدهای مطرح شده، وجود نداشته باشد، گره گشای مسائل مبتلابه اقتصاد ما نخواهد بود. نکته مهم دیگر، این است که تا چه حد پذیرش دیدگاه های متفاوت اقتصاددان های مدعور در شخص رئیس جمهور و تیم اقتصادی ایشان وجود دارد؟ این نکته از این جهت حائز اهمیت است که برخی چالش های اقتصادی کشور مسائلی نیستند که پیش از این توسط کارشناسان اقتصادی طی مقاله ها و نامه ها و دیگر ابزارهای موجود به سمع و نظر دولتمردان و مشاوران آن ها نرسیده باشد. یکی از چالش هایی که اساتید اقتصاد بارها در مورد آن به دولتمردان -نه فقط دولت کنونی، بلکه دولت های دوددهه اخیر- در دوره های مختلف تذکر دادند، وضعیت نظام بانکی و لزوم اصلاح آن بوده است. اینکه بانک های کشور سال هاست برای مثبت نشان دادن وضعیت گزارش های مالی خود در ترازنامه هایشان، دارایی های موهوم نشان می دهند و ارزش دارایی های خود به ویژه ساختمان تحت تملک شان را با معاملات صوری بین شرکت های زیر مجموعه خود بالاتر از اندازه واقعی منعکس می کنند، موضوعی است که بارها به دولتمردان گوشزد شده است، اما به این تذکرات توجه نکرده شده است. برخی از بانک های کشور در شرایط حاضر در بدترین وضعیت خود قرار دارند با برخی تمهیدات از اعلام ورشکستگی آن ها جلوگیری می شود، ولی این وضعیت برای اقتصاد کشور مناسب نیست و پیامدهای آن، سایر بخش های اقتصاد را درگیر می کند. بانک ها هنوز هم برای حفظ سپرده های سپرده گذاران بزرگ تر فندها را به کار می گیرند و حتی تا ۳۰ درصد نرخ بهره نیز پرداخت می شود، این در حالی است که بانک مرکزی بر این موضوع چشم بسته است. این میزان نرخ سود موهوم پرداختی توسط بانک ها بازارها را از تعادل خارج می کند، اما با وجود تذکرات فراوان اقتصاددان ها، این سیاست ها کماکان ادامه دارد. در جلسه با رئیس جمهور با فرصت بسیار اندکی که در اختیار داشتیم این نکته را مطرح کردم که با توجه به شتاب گرفتن نرخ تورم از تیرماه امسال، نرخ تورم ۱۳۹۷ از اوج نرخ تورم های قبلی که در سال های قبل مثلاً سال ۱۳۹۲ تجربه کردیم، بالاتر خواهد رفت. بر اساس برآوردهای انجام شده، اکنون ۱۷۰۰ میلیارد تومان نقدینگی در اقتصاد کشور وجود دارد که ۸۶ درصد آن، یعنی رقمی معادل ۱۴۶۲ هزار میلیارد تومان، شبه پول است که قدرت نقدشوندگی آن نسبت به پول، کمتر است و باید در بانک ها بماند تا سپرده بلندمدت تلقی شود. موضوع نسبت شبه پول به پول، یکی از مهم ترین مسائلی است که تیم اقتصادی دولت باید به آن توجه کند. اگر فرض کنیم فقط سه درصد آن، از شبه پول به پول تبدیل شود به عدد ۵۱ هزار میلیارد تومان می رسیم که این میزان پول به هر بازاری هجوم برد آن بازار را از تعادل خارج می کند. برای اینکه از تیزی تیغ نقدینگی بکاهیم و بتوانیم آن را مهار کنیم راهکارهایی وجود دارد. برای مثال، دولت می تواند به بانک مرکزی مجوز عملیات باز بدهد، به این معنی که اوراق قرضه با نرخ سود جذاب منتشر شود و این اوراق به جای بدهی های دولت به بانک ها و سایر مراکز طلبکار از دولت داده شود.

اقتصاددان

ایجاد ۳۰۰ هزار فرصت شغلی جدید با اجرای طرح بازآفرینی شهری

سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت راه و شهرسازی با هدف رونق تولید و اشتغال زایی در حوزه بازآفرینی شهری پایدار، تفاهم نامه ای امضا کردند که پیش بینی می شود، ۳۰۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شود. به گزارش «مهر»، تفاهم نامه همکاری بین سازمان برنامه و بودجه و وزارت راه و شهرسازی با هدف رونق تولید و اشتغال زایی در حوزه بازآفرینی شهری پایدار در محل سازمان مدیریت و برنامه ریزی و با حضور محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی رئیس جمهور به امضا رسید. با اجرای این تفاهم نامه، پیش بینی می شود، ۱۲۰ هزار فرصت شغلی مستقیم و ۱۸۰ هزار فرصت شغلی غیرمستقیم ایجاد شود.



در جلسه رئیس جمهور و اقتصاددان ها چه گذشت؟

تاکید اقتصاددانان بر قاطعیت و سرعت عمل دولت



در جلسه با اقتصاددانان، رئیس جمهور بر عملیاتی کردن و استفاده از نظرات اقتصاددان برای حل مشکلات، تأکید کردند.

باید به آن ها که مدعی سیاست گذاری بهینه در اقتصاد هستند، گفت اگر در جنگ اقتصادی هستیم اولویت باید اقتصاد باشد نه دعوا یا درگیری های داخلی و خارجی و هر هدفی نیز باید هم سو با این هدف باشد. نکته دوم اینکه در شرایط حاضر سیاست هایی که پیگیری می شود مبتنی بر نظرات شخصی است نه علم اقتصاد. البته ممکن است برخی اقدامات متناسب با علم و سازوکار اقتصادی باشد، اما در سطح تصمیم گیری های کلان درک و برداشت درستی از سیاست گذاری و تعیین استراتژی مبتنی بر علم اقتصاد، نمی شود. به همین دلیل نمی توانیم منتظر تغییر مطلوب اقتصاد و آینده روشن باشیم، بنابراین در خصوص برخی از مسائلی که اهمیت بیشتر دارد، بهتر است سیاست های منظم تری تدوین کنیم که با کمک تیم بزرگ مشاوران اقتصادی و اقتصاددانان باشد. تعداد جلسات باید افزایش پیدا کند و حداقل ۵۰ نفر از افراد متخصص و صاحب نظر را بدین منظور تعیین کنیم. این نوع تصمیم گیری ها به برون رفت از شرایط تحریمی که

و استفاده از نظرات اقتصاددانان برای حل مشکلات، تأکید کردند. دکتر روحانی البته در خصوص برخی از نظرات نیز این گونه واکنش نشان داد که غیرکارشناسی است و دقیق نیست، از برخی از نظرات هم به شدت استقبال کرد. با این حال، از نظر بنده به عنوان یکی از اقتصاددانان حاضر در جلسه، دولت باید رشد اقتصادی را در اولویت برنامه های خود قرار بدهد. همان طور که کارشناسان اقتصادی نیز در این جلسه تأکید داشتند، همه سیاست های اقتصادی در کشور مبتنی بر علم اقتصاد نیست. متأسفانه در کشور ما استراتژی اقتصادی و هدف استراتژیک واحدی وجود ندارد. اگر از دولت بپرسیم اقتصاد به کجا می خواهد برود، نمی داند؟ این مسئله، مهم ترین مشکل نظام است. البته یک سری از تصمیم گذاران نمی گذارند که اقتصاد به سمت وسوی واقعی خود پیش برود. به عنوان مثال، در حالی که اهداف اقتصادی تعیین شده، مثلاً رشد اقتصادی تعیین شده، اما بقیه سیاست ها هم سو با آن تعیین نمی شود.

از آنجایی که از افزایش نرخ ارز، صادر کنندگان سود می برند، اقدامات دولت نباید متناقض با این مسئله و به زیان صادر کننده باشد



دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد و چهار

A T I V E H N O

مسئله مهم اقتصاد کشور است، کمک می کند. انتقاد دیگری که بر دولت وارد است، عدم قاطعیت و سرعت عمل دولت است. سیاست دولت در زمینه مذاکره، قیمت ها و تصویب مقررات به موقع و قاطع نیست. گاهی موضوعیت یک موضوع گذشته، اما بعد از آن، دنبال راهکار می گردیم. با توجه به اینکه تحولات اقتصادی به سرعت در حال افزایش است و سرعت این تحولات هم بالاست، باید قاطعیت را بیشتر و سرعت را بالاتر ببریم، همچنین آینده را پیش بینی کنیم. برای مثال، در خصوص تحریم ها یا مذاکره اروپایی ها یا مسائلی که هنوز پیش نبوده، پیش بینی مشخص و همراه با راهکار داشته باشیم تا متناسب با آن مشکلات، برای اقتصاد کشور سناریوسازی کنیم. متأسفانه یک بُعدی نگری در خیلی از کارها و سیاست های اقتصادی وجود دارد. مثلاً در بازار ارز فقط تمرکز روی پایین آوردن قیمت است در حالی که به این موضوع که نرخ ارز روی رشد اقتصادی، فقر و تولید چه اثراتی می گذارد، توجه نمی شود. بهتر است دولت با توجه به اهمیت مقوله ارز و بازار ارز، کاهش نرخ ارز را به قیمت هدررفت منابع ارزی انجام ندهد بلکه باید مراقب منابع ارزی باشد. استفاده از ابزارهایی مثل تبلیغات، تذکر به سایت ها، استفاده از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی به منظور شناسایی اخلالگران، از دیگر ابزارهای موثر در مهار قیمت ارز است که نباید از چشم دولت پنهان بماند. برخی از رسانه ها سعی دارند با دامن زدن به اخبار منفی در خصوص بازار ارز، به التهابات بازار دامن بزنند، هدف دولت باید مقابله با این گروه ها، همچنین موج منفی اخبار آن ها باشد که انتظارات تورمی را دامن خواهد زد. از آنجایی که از افزایش نرخ ارز، صادرکنندگان سود می برند، اقدامات دولت نباید متناقض با این مسئله و به زیان صادرکننده باشد. در خصوص موضوع مهمی مثل نرخ سود بانکی نیز لازم است، ابزار نرخ سود برای جذب وجوه به بانک ها مناسب باشد و ورود سرمایه ها به بانک ها در جهت رشد تولید، قرار بگیرد. البته تسهیلات بانکی ضامن سودآوری تولید نیست یا شاید برای سرمایه گذاری های آنچنانی عددی نباشد، اما این رونق و رشد اقتصادی است که در کنار ابزار سود به تولید می کند، بنابراین اگر هدف راستین دولت، کمک به شرایط اقتصادی است، همه آنچه گفته شد به دولت برای یافتن راهکاری مطمئن تر کمک خواهد کرد و آینده بهتری از اقتصاد کشور برای مردم ترسیم خواهد کرد که هم سو با نظرات و عقاید کارشناسان اقتصادی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

انتقاد از رویکرد مداخله گرایانه دولت در بازار

بنابراین اکثریت اقتصاددانان حاضر در این جلسه با تأکید بر سازوکار بازار، به نهاد بازار اعتقاد داشتند و خواستار اصلاح قوانین و مقررات مناسب برای ایجاد نهادهای سیاست های مناسب از دولت بودند. کاری که در بلندمدت و به شرط تبعیت دولت، قیمت ها را به سمت قیمت های عادلانه و تعادلی مطلوب حرکت می دهد. به یبانی دیگر، تغییر نگرش، رویکرد و سیاست دولت، مهم ترین مسئله ای بود که اکثریت با آن موافق بودند. کارنامه بد تیم اقتصادی نیز اکثریت را به سمت درخواست تغییر کابینه و تیم اقتصادی پیش برده بود که به نظر می رسد در صورت عملیاتی شدن می توان ضامن حل برخی از مسائل و عدم تکرار چالش های جدید برای اقتصاد کشور در زمان تحریم باشد. همه اقتصاددانان فشارهای ناشی از تحریم ها بر اقتصاد را درک می کردند، اما تقریباً اعتقاد داشتند برنامه های دولتی در مهار اثرات منفی تحریم به دو دلیل دخالت دستوری دولت در بازار و عملکرد ضعیف مدیران اقتصادی، موثر نبوده است. از نظر بنده که شاید هم سو با رای اکثریت در این جلسه بود، لازم است چیدمان اهداف اقتصادی و نظام تغییر پیدا کند. اصلاح نهاد بازار و تقویت آن صورت گیرد و دولت در بخش های دیگری به منظور حمایت از اقشار محروم سرمایه گذاری کند.

عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی

و جهت گیری اصلی ما صحیح باشد در حیطه سیاست گذاری و اجرا هم ما می توانیم بهتر عمل کنیم. تأکید اقتصاددانان بر این بود که در واقع تغییر نگرش و استراتژی های دولت است که می تواند شرایط بفرنج اقتصادی را اصلاح کند. همان طور که ذکر شد، موافقت اکثریت با این صحبت ها در حالی بود که برخی نیز مخالف بودند، یعنی اجماع کلی در بین اقتصاددانان وجود نداشت. با نظر به این موضوع مهم که مداخله دولت اثر مستقیمی در افزایش التهابات بازار و آشفتنگی های فعلی داشته است، عدم مداخله دولت در بازار و اصلاح رویکرد کنترل بازار از سمت دولت، از نظر کارشناسان اقتصادی به حل کاستی های بازار منجر خواهد شد. به جای عادت به سیاست های پیشین، انرژی دولت می تواند صرف قیمت گذاری شود. بر همین اساس، این بازار است که در آن قیمت ها به شکل عادلانه و صحیح و در فضای رقابتی تعیین می شود. از یک زاویه دیگر تأکید اقتصاددانان بر اجتناب دولت از کنترل های دستوری این پیامد را داشت که از این پس دولت راحت تر می تواند به وظایف اصلی خود به شکل دیگر بپردازد. اگر هدف، حمایت از اقشار است همیشه ضرورتی ندارد که به این منظور، قیمت ها را کنترل یا به صورت دستوری بازار را هدایت کنیم. این شیوه های حمایتی می تواند به اشکال دیگری مثل توزیع بن یا کارت های اعتباری باشد،

مداخلات دولت در اقتصاد، با مداخله دولت در قیمت گذاری موافق نبودند و کنترل قیمت را که در چند ماه اخیر به شدت از سوی دولت به کار رفته، نمی پسندیدند. در این خصوص اکثریت تقریباً اتفاق نظر داشتند. شاید تنها یک نفر با تأیید و کنترل قیمت ها موافق بود. البته خیلی از اقتصاددانان که نظر و عقاید آن ها متفاوت از این مباحث بود، در این جلسه حضور نداشتند و گرنه می شود پیش بینی کرد با فرض حضور آن ها، مسیر بحث ها و صحبت ها در جلسات به سمت موضوعات دیگری هدایت شود. برخی هم در جلسه حاضر بودند، اما فرصت حرف زدن پیدا نکردند. با این حال براینند کلی جلسات نشان داد اکثریت اقتصاددانان بر مداخله دولت در اقتصاد و تیم کنونی اقتصادی، انتقاد داشتند. آن ها می گفتند تغییر نگرش و تغییر استراتژی دولت می تواند در چاره جویی برخی از مسائل فعلی، مناسب باشد. به طور کلی، دولت باید نگاه خود را تغییر داده و در قیمت گذاری ها به صورت مستقیم مداخله نکند یا اگر قصد حمایت از اقشار آسیب پذیر را دارد این حمایت نه در شکل عرضه بسته های حمایتی باشد، بلکه باید به سمت تقاضا برود، بنابراین بیشتر مباحث، پیرامون تغییر دیدگاه و استراتژی ها و راهبردهای اقتصادی دولت بود که اگر دولت نسبت به آن ها اقدام کند، می تواند موفق تر باشد و اطمینان جامعه را به خود بیشتر کند. اگر نگرش کلی



جلسه ای که اقتصاددانان با رئیس جمهور داشتند، بیشتر صرف طرح مسائل کلی شد. بخشی از اقتصاددانان با انتقاد از رویکرد دولت به اقتصاد، به این مسئله مهم تأکید داشتند که باید در پارادایم کلی نظام اقتصادی تغییر اساسی رخ بدهد. بعضی ها نیز به استراتژی های ارزی دولت در چند ماه گذشته ایراد گرفته و بعضی ها به تیم اقتصادی دولت انتقاد داشتند. از دید اقتصاددانان، تیم اقتصادی دولت در این مدت از ظرفیت و پتانسیل لازم برخوردار نبوده است. در مجموع مسائل و نکاتی که مطرح شد کلی و به نوعی راهبردی بود و نسخه های عملیاتی از آن بیرون نیامد. البته با توجه به محدودیت وقت و گستردگی مسائل اقتصادی نیز انتظاری نمی رود که از این جلسات و جلسات مشابه، راهکارها یا نسخه های عملیاتی بیرون بیایند، بلکه هدف مرور مهم ترین مسائل و پرداختن به آن است. در این جلسه اکثریت تلاش می کردند دیدگاه رئیس جمهور را به سمت دیدگاه و نظر خود نزدیک کنند و گاهی در بعضی موارد بین نظر آن ها با رئیس جمهور، اتفاق نظر وجود داشت. بسیاری از اقتصاددانان با توجه به تجربه بد